



مبادی صفویان و تحقیقات مربوط به آن

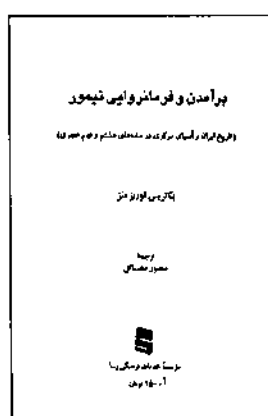
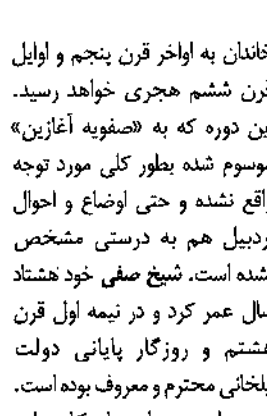
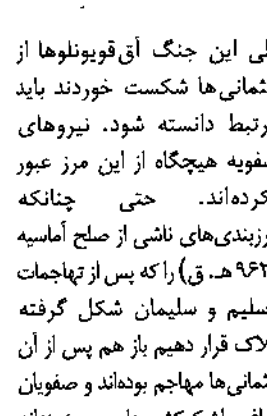
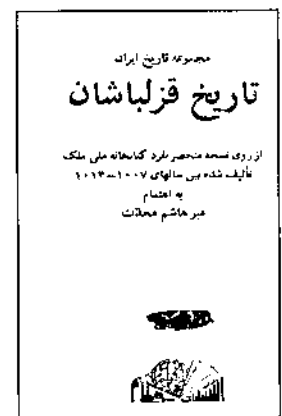
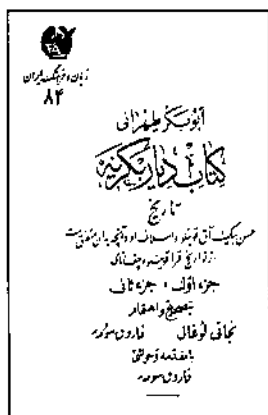
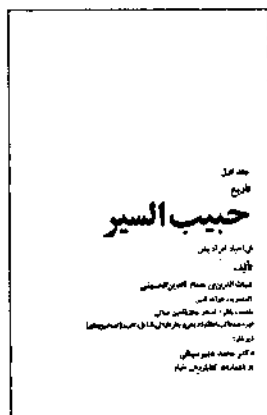
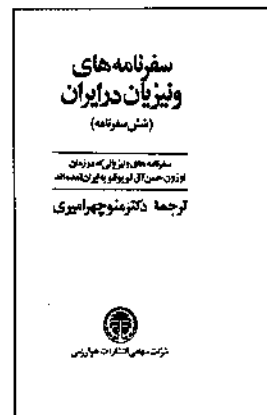
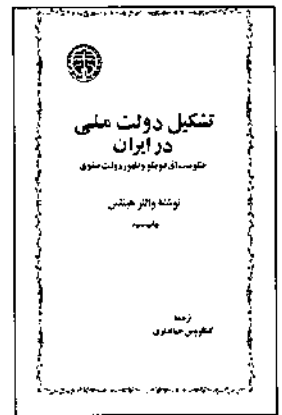
دکتر عبدالرسول خیراندیش
عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

ابهامات میدان یافته است. به نظر می‌آید چنین ابهاماتی در مورد صفویان پیش از تشکیل دولت، مربوط به اوضاع و احوال دولت و روزگار قدرت صفویان باشد. یعنی پیش از آنکه چنین پرسش‌هایی از «علل» برخاسته باشد نظر به «نتایج» داشته است. مثلاً صفویه مذهب تشیع اثنی‌عشری را در ایران رسمیت بخشیدند در حالی که بر اساس بعضی از اخبار اجداد آنان شافعی بوده‌اند. شاهان صفوی ادعای سیادت کرده‌اند حال آنکه نسب‌نامه سیادت آنان مربوط به دوره اقتدار آنان است. صفویان با عثمانی درگیر جدالی طولانی بوده‌اند و این جدال بدور از مداخله اروپائیان نبوده و به ضرر جهان اسلام بوده است، زیرا در شرایطی که عثمانی اروپا را تهدید می‌کرد از پشت‌سر درگیر صفویان شد. چنین وجهه‌نظری دربار صفویان بیش از هر چیز با تصویری از توطئه و تحریک همراه بوده و القاکننده تصویری از دسیسه و پنهان‌کاری به نظر می‌آید. هرچند پاسخ به هر پرسشی را باید پس از تحقیق و جستجو دریافت کرد اما بی‌پاسخ ماندن بخش عمده این پرسش‌ها را باید در غیرعلمی بودن طرح چنین پرسش‌هایی دانست. زیرا پاسخ صحیح از پرسش صحیح برخواید آمد و برای تردید در هر مسئله‌ای می‌توان پرسش‌های فراوان و بی‌پایانی مطرح ساخت. حال آنکه هیچگاه وضع و موقع تشیع در ایران قبل از عصر صفوی، بخصوص در حد فاصل مغولان تا صفویان به درستی ارزیابی نشده و به طور کلی شرایط دینی ایران قبل از صفویه با عنایت به حضور قدرتمندانه تصوف بازشناسی نگردیده است. در چنین شرایطی چگونه می‌توان صرف به قدرت رسیدن صفویان را موجب تحولی یک‌سویه از تسنن به تشیع دانست؟ درخصوص عثمانی نیز روشن نیست که این فرض توأم با یقین چگونه صورت گرفته که آن دولت مظهر اسلامیت بوده باشد و صفویه محل عظمت آن در برابر اروپا شده است. اگر وقایع‌نگاری رخدادهای سیاسی و نظامی میان صفویان و عثمانی را مدنظر قرار دهیم عموماً بلکه اکثریت موارد، تهاجم از ناحیه عثمانی‌ها صورت گرفته است. بدون‌شک مرکز اولیه صفویان با عثمانی، با عنایت به اینکه صفویه میراث‌دار آق‌قویونلوها بوده‌اند با شرایط حاصل از جنگ ترجان (۸۷۷ هـ. ق) که

دولت صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ هـ) با برجای گذاشتن میراث قابل توجهی از آثار معماری و هنری و منابع مکتوب، در عین حال که عرصه‌های تحقیقی بسیاری را در زوایا و خفایای خویش ممکن ساخته اما در کلیت و اساس خود ابهامی را در بر ندارد. به عکس، اوضاع و احوال صفویان پیش از تشکیل آن دولت بسیار پرابهام جلوه می‌کند و موجب سردرگمی بسیار شده است. هرچند ابهام اوضاع و شرایط پیش از تشکیل دولت، برای اکثریت سلسله‌های تاریخ ایران وجود دارد اما این ابهام و سردرگمی برای صفویان به دلایلی که ذکر خواهد شد جلوه‌ای بارزتر یافته است. سرگذشت پیشینیان ساسانیان، دیلمیان، تیموریان و دیگران که همگی دولت‌های پراوازه‌ای بوده‌اند هیچگاه به درستی در روشنائی تاریخ قرار نگرفته‌اند؛ اما موجب آشفتگی و سرگردانی اذهان نیز نشده‌اند. زیرا به نحوی پندیهی و متعارف به دلیل گمنام بودن یا داشتن موقعیت و مرتبه پایین مورد توجه نبوده و اخباری درباره آنان در منابع منعکس نشده؛ لذا اخبار اجداد آنها به طور طبیعی راه به افسانه و ابهام برده است.

اما صفویان در اعصار پیش از تشکیل دولت همواره با پرسش‌های بسیاری روبرو شده‌اند: آیا شیخ صفی ترک‌زبان بود؟ اجداد کرد او چگونه در اردبیل مستقر شده‌اند؟ سرگذشت اجداد او از فیروز شاه زرین کلاه تا شیخ جبرئیل چه بوده است؟ از فیروزشاه چگونه نسب صفویان به امامان شیعه می‌رسد؟ مذهب شیخ‌صفی چه بود؟ قزلباشها چگونه شکل گرفتند و به صفویان پیوستند؟ چگونه صفویان از زمان جنید به جنبش سیاسی و نظامی روی آوردند. پیوند آنان با خاندان سلطنتی آق‌قویونلو آنچنانکه جنید خواهر و حیدر، دختر اوزون حسن را اختیار کرده چگونه بوده و چه نتایجی داشته و این دختر که حاصل ازدواج اوزون حسن با دسینا خاتون، برادرزاده کالویوهانس امپراتور ترابوزان بوده چه جایگاهی در مبادی تاریخ صفویان دارد؟ و پرسش‌هایی از این قبیل.

چنانکه آورده شد چنین پرسش‌هایی در مورد هر خاندانی پیش از رسیدن به قدرت می‌تواند مطرح باشد و بی‌پاسخ ماندن آنها نیز چندان با شگفتی روبرو نمی‌شود. اما در مورد صفویان به نحوی استثنایی این



طی این جنگ آق قویونلوها از عثمانی‌ها شکست خوردند باید مرتبط دانسته شود. نیروهای صفویه هیچگاه از این مرز عبور نکرده‌اند. حتی چنانکه مرزبندی‌های ناشی از صلح آماسیه (۹۶۲ هـ. ق) را که پس از تهاجمات سلیم و سلیمان شکل گرفته ملاک قرار دهیم باز هم پس از آن عثمانی‌ها مهاجم بوده‌اند و صفویان منافع لشکرکشی‌های پیروزمناهی شاه عباس اول نیز در حقیقت

ماهیت دفاعی داشته و برای بازپس‌گیری اراضی از دست رفته صورت گرفته است. شرایط صلح و آرامش یکصد ساله آخر دولت صفوی با عثمانی نیز فرصتی برای اقتدار عثمانی به‌شمار نیامد. زیرا این دوره که منتهی به قرن هجدهم میلادی شد با انحطاط قطعی عثمانی توأم گردید و در پایان این دوران عثمانی‌ها نه تنها به بهبود موقعیت خود در بالکان نپرداختند بلکه به لشکرکشی‌های بی‌حاصلی در قبال غلبه‌زایی‌ها و به حمایت صفویان اقدام کردند. آیا نمی‌توان این نکته را نیز منظر قرار داد که انحطاط و سقوط عثمانیان ریشه در ساختارهای درونی آن و نوع مناسبات آن با اروپا داشته است و با اظهارنظری غیرعلمی درباره صفویان که اساس شرایط ملی و اجتماعی و فرهنگی کنونی ما بدان رجوع می‌کند بر سر شاخ بین‌نبرد و در مورد بنیادهای مذهبی مناسبات صفویه با عثمانی‌ها اعم از جنگ و صلح بازناندیشی نکرد.

بدون شک اوضاع و احوال هم خاندان صفوی و هم ایران قبل از قرن دهم هجری نیاز به ارزیابی دقیقی توأم با نقد و نظر دارد. در این دوره که حذف‌های قرون هفتم تا دهم هجری را دربرمی‌گیرد و بطور عام عصر مغولی تاریخ ایران نامیده می‌شود، توأم با فراز و فرودهای بسیار بوده است. با این حال معمولاً این دوره سیصدساله چنان سریع نگریسته می‌شود و نتایج آن یکجا و بطور کلی بدون هرگونه تدقیق و طبقه‌بندی عرضه می‌گردد که حاصلی جز افزودن بر ابهامات نداشته است. حال آنکه به نحوی بسیار ساده این دوره، یک دوره چهار ساله تهاجم مغول، یک دوره هشتاد ساله دولت مغول، حدود شصت سال ملوک‌الطوایف قرن هشتم، حدود هفتاد سال تیمور و تیموریان و سرانجام حدود نیم قرن ملوک‌الطوایف عصر ترکمانان را شامل می‌شود. این دوره که حدود سیصد سال را دربر می‌گیرد بالغ بر دوپست و پنجاه سال آن حذف‌های شیخ صفی (متولد حدود ۶۵۰ هـ. ق) تا تشکیل دولت صفوی به وسیله شاه اسماعیل (۹۰۷ هـ. ق) از تاریخ این خاندان در آن واقع شده است. حال اگر شش نسل قبل از شیخ صفی، یعنی (صفی‌الدین اسحاق) پسر جبرئیل پسر قطب‌الدین پسر صالح‌الدین پسر محمد پسر عوض پسر فیروزشاه زرین کلاه را هم مدنظر قرار دهیم که حدود یکصد و هشتاد سال را دربر می‌گیرد، مبادی این

صرف نظر از مبحث تشیع و دولت ایلخانی، باید توجه داشت که در حدفاصل ایلخانان تا صفویان، به استثنای عصر تیمور، سراسر پراکندگی سیاسی حاکمیت داشته و نیز دولت‌های حدفاصل ایلخانان تا صفویان عموماً سنی بوده‌اند

میشل مزاولی کوشیده است اشاره‌ای مبهم به رابطه اسماعیلیان و صفویان کند. نیز در همان حال تکیه اساسی خود را بر مسئله مهدویت قرار می‌دهد و در بیانی مجمل،

سه «محمد متقدم» یعنی کلینی، ابن بابویه و طوسی شیخ الطایفه را با سه «محمد متاخر» یعنی حرّ عاملی، ملامحسن فیض و محمدباقر مجلسی از طریق سه شخصیت مشهور چون مطهر حلی، ابن مکی و ابن فهدحلی ارتباط قائل می‌شود و بدین ترتیب تلاشی می‌کند حلقه اتصال تشیع عصر مغول با صفوی را کشف کند

خاندان به اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری خواهد رسید. این دوره که به «صفویه آغازین» موسوم شده بطور کلی مورد توجه واقع نشده و حتی اوضاع و احوال اردبیل هم به درستی مشخص نشده است. شیخ صفی خود هشتاد سال عمر کرد و در نیمه اول قرن هشتم و روزگار پایانی دولت ایلخانی محترم و معروف بوده است. او در این دوران با تکاپوها و تشکیلات صوفیه مربوط بوده

است. فرزند و نوادگانش صدرالدین، خواجه علی و شیخ ابراهیم موقعیت خانقاه اردبیل را ارتقاء بخشیدند و شرایطی را بوجود آوردند که «صفویه متقدم» نامگذاری شده و طی آن شیوخ صفویه با چوپانی‌ها، جلابری‌ها و تیموریان، معاصر و معاشر شده‌اند. پس از آن دوره «تهضت صفویان» فرارسید که شیخ جنید، شیخ حیدر و پسرش سلطان علی و سرانجام برادرش شاه اسماعیل را شامل می‌شود. در زمان اسماعیل به سال ۹۰۷ هـ. ق. بود که دولت صفویان تاسیس گردید.

این دوره از نظر تاریخی طولانی است و با نگاهی کلی و سریع نمی‌توان درباره آن قضاوت کرد. معمولاً برای این دوره یعنی حدفاصل ۶۰۰ تا ۹۰۰ هـ. ق. رشد تصوف و تشیع را مورد تأکید قرار می‌دهند. اما کم و کیف آن هیچگاه با دقت و تفصیل و تحلیل لازم بیان نشده است. مثلاً در کتاب مسائل عصر ایلخانان که از تحقیقات پرمز تاریخ ایران دوره مغول محسوب می‌شود درباره نتایج حمله مغول به ایران چنین آمده است: «قوت یافتن تشیع و فراهم آمدن مقدمات پیروزی شیعه در ایران، فراهم آمدن مقدمات وحدت مجدد سرزمین‌های ایرانی پس از ساسانیان و سلاجقه بزرگ که بالاخره در عهد صفویه به تحقق کامل می‌انجامد». اما نویسنده روشن نمی‌سازد که تشیع و وحدت ارضی عصر ایلخانی چگونه به عصر صفوی اتصال می‌یابد و صورت مستمر این پدیده‌ها چگونه بوده است. صرف‌نظر از مبحث تشیع و دولت ایلخانی، باید توجه داشت که در حدفاصل ایلخانان تا صفویان، به استثنای عصر تیمور، سراسر پراکندگی سیاسی حاکمیت داشته و نیز دولت‌های حدفاصل ایلخانان تا صفویان عموماً سنی بوده‌اند. میشل مزاولی اشاره‌ای مبهم به رابطه اسماعیلیان و صفویان می‌کند. نیز در همان حال تکیه اساسی خود را بر مسئله مهدویت قرار می‌دهد و در بیانی مجمل میان سه «محمد متقدم» یعنی کلینی، ابن بابویه و طوسی شیخ طایفه با سه «محمد متاخر» یعنی حرّ عاملی، ملامحسن فیض و محمدباقر مجلسی از طریق سه شخصیت مشهور چون مطهر حلی، ابن مکی و ابن فهدحلی ارتباط قائل می‌شود و بدین ترتیب تلاشی می‌کند حلقه اتصال تشیع عصر مغول با صفوی را کشف کند. این روش صورت‌گرایانه نزد کامل مصطفی‌الشیبی در کتاب تشیع و تصوف

برآمدن و فرمانروایی تیمور در قرن دهم هجری و سده دهم میلادی

تاریخ و جغرافیا / آبان و آذر ماه ۱۳۷۹

۸۳



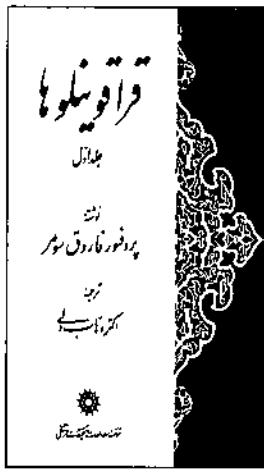
جلد دوم
هفتین
حبیب السیر
رسمه از سید
عبدالمجید حسینی
مقدمه از سید
عبدالمجید حسینی
تصحیح و تصحیح
مقدمه از سید
عبدالمجید حسینی

کنار گذاشته می‌شود. او می‌کوشد با تاکید بر تصوف، این حلقه اتصال را در حروفیه و نوربخشیه و مانند آنها جستجو کند.^{۱۲} شاید از بیش از دیگران، در این راه توفیق یافته باشد.

مقوله وحدت ملی که صفویان در آن به موقعیت و موفقیت خاصی رسیده‌اند، چه از نظر وحدت ارضی و چه از جنبه نظام متمرکز اداری نیز مورد توجه عده‌ای دیگر به عنوان سیر اصلی پیدایش قدرت صفویان مدنظر قرار گرفته است. با این حال در تحول از نظام اداری عصر ایلخانی به صفوی بجز تحقیق دکتر شمیرین بیانی درباره تاریخ آل جلایر^{۱۳}، حلقه اتصال دیگری نشان داده نشده است. منابع مهمی چون ریاض الانشاء، نوشته خواجه محمودگوان و منشآت میدبی و نیز اشارات روزبهان خنجی در مورد اقدامات شیخ عیسی، وزیر سلطان یعقوب برای اصلاحات اداری و مالی دولت آق‌قویونلو هنوز بطور کامل در تحلیل شرایط ماقبل صفوی جامعه ایران مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

اما تکوین وحدت ملی بیش از تحول نظام اداری مورد توجه بوده است. دکتر ابوالقاسم طاهری در کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از تیمور تاشاه عباسی کوشیده است ریشه‌های وحدت ملی عصر صفویان را به دولت آق‌قویونلو، بخصوص پادشاه قدرتمند آن، اوزون حسن مرتبط بداند. او با تاکید بر وسعت قلمرو و قدرت بلامناع اوزون حسن که همواره به صورت حسن پادشاه او را مخاطب ساخته سعی دارد میراث سیاسی و ارضی آق‌قویونلوها را در تکوین صفویه بسیار قابل توجه نشان دهد.^{۱۴} این کوشش در اثر معروف والتر هینتس به نام تشکیل دولت ملی در ایران^{۱۵} نیز ادامه یافته منتهی هرچند از نظر منابع بر اثر طاهری رجحان دارد اما طاهری درک تحلیلی بهتری ارائه می‌نماید. هر دو بر روابط خارجی آق‌قویونلوها با ونیز و تمارض با عثمانی به عنوان پایه و بنیادی برای سیاست خارجی صفویان تاکید کرده‌اند که این نکته حائز اهمیت بسیار است. سفرنامه ونیزیان در ایران دستمایه اصلی چنین دیدگاهی بشمار می‌آید.^{۱۶} این سبک و سیاق بعدها در کتاب ایران و جهان نوشته دکتر عبدالحسین نوایی ادامه یافته است^{۱۷} با این برتری که او با مراجعه به منشآت و نامه‌های این دوران که آنها را در کتاب اسناد و مکاتبات تاریخی^{۱۸} منعکس ساخته، جزئیات دقیق‌تری از رفتارهای سیاسی فرمانروایان ایرانی را نشان می‌دهد. کتاب راجر سیوری با عنوان ایران عصر صفوی^{۱۹} نیز تقریباً همین راه را می‌رود. منتهی در کتاب دکتر احمد تاج‌بخش با عنوان ایران در زمان صفویه^{۲۰} و مجیر شبیانی با عنوان تشکیل شاهنشاهی صفوی: احیاء وحدت ملی^{۲۱} تاکید بر وحدت ملی به عنوان بزرگترین ثمره دولت صفویان بیشتر عیان و آشکار می‌گردد. سرانجام این رشته از تحقیقات در کتاب پرارزش زندگانی شاه‌عباس نوشته نصرالله فلسفی به اوج خود می‌رسد.^{۲۲}

اما تاکید اساسی چنین تحقیقاتی اساساً بر نیمه غربی ایران است و بجز اثر دکتر طاهری که تیموریان را هم در بر می‌گیرد، بقیه این وجهه را از نظر دور داشته‌اند. در این خصوص کتاب پاتریس منز با عنوان پراگماتیزم و فرمانروایی تیمور مبادی دولت گورکانی را تشریح می‌کند اما به مبحث



دوره حدفاصل قرون هفتم تا دهم هجری که به طور عام عصر مغولی تاریخ ایران نامیده می‌شود، توأم با فراز و فرودهای بسیار بوده است. با این حال معمولاً این دوره سیصدساله چنان سریع نگریسته می‌شود و نتایج آن یکجا و بطور کلی بدون هرگونه تدقیق و طبقه‌بندی عرضه می‌گردد که حاصلی جز افزودن بر ابهامات نداشته است

معمولاً برای دوره حدفاصل ۶۰۰ تا ۹۰۰ ه. ق. رشد تصوف و تشیع را مورد تاکید قرار می‌دهند. اما کم و کیف آن هیچگاه با دقت و تفصیل و تحلیل لازم بیان نشده است

اینکه آیا میراثی برای صفویان داشته است یا نه وارد نمی‌شود.^{۲۳} چنین نقیصه‌ای در اثر دکتر میرجعفری با عنوان تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان^{۲۴} تا حدودی جبران می‌شود، اما تکیه اساسی کتاب وی بر مباحث اجتماعی و تمدنی، آنرا چندان پرنرنگ نمی‌سازد.

سایه به سایه تحقیقاتی که مقوله وحدت ملی را در مقدمه تشکیل دولت صفوی اساس قرار داده‌اند، تحقیقاتی نیز صورت گرفته تا تحولات قبایلی حدفاصل مغول تا صفویه را مورد توجه قرار دهند. پرتلاش‌ترین مورخ این عرصه فاروق سومر بوده است. او دو اثر معروف به نامهای قراقویونلوها^{۲۵} و نقش ترکان آناتولی در پیدایش دولت صفوی^{۲۶} دارد. هرچند خوانندگان فارسی‌زبان این فرصت را نیافته‌اند که به مضامین کامل اثر اخیر دست یابند اما به طور کلی می‌توان گفت که مورخین جدید ترک تلاش بی‌وقفه‌ای برای ارائه تلقی خاصی از تکاپوی قبایل ترک در حدفاصل سلجوقیان تا صفویان داشته‌اند. این تحقیقات که شناخت قبایل در آنها رجحان خاصی دارد به موازات تحقیقاتی قرار می‌گیرد که مینورسکی با تکیه بر جغرافیا درخصوص نواحی شمال غربی ایران انجام داده است. در حقیقت سبک کار فاروق سومر و مینورسکی انشاقی در روش جامع‌گرایانه قاضی ابوبکر طهرانی در کتاب دیار بگریه^{۲۷} و روزبهان خنجی در عالم آرای امینی^{۲۸} و مورخ پروازره اوایل صفویه، خوانند میر در حبیب السیر^{۲۹} است. چنین منابعی با ارائه تاریخ سیاسی عصر خویش، تکاپوی قبایل در عرصه‌های جغرافیایی متعددی از جمله نیمه غربی و بخصوص شمال غربی ایران را بازگو کرده‌اند. حاصل جمع این تلاش‌های تاریخنگارانه در اثر کم حجم تاریخ قزلباشان^{۳۰} منعکس شده است که نشان می‌دهد قبایلی که به یاری صفویان شتافتند چگونه از جامعه آق‌قویونلو بیش از آن، قراقویونلو نشأت‌گرفته‌اند. منتهی ادامه این روند به سوی گذشته تا منبمی چون جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی بدست داده نشده و ناگفته مانده است. این انفصال را می‌توان با این توضیح همراه ساخت که اساساً موفقیت قبایل نواحی شمال غربی ایران که هم عثمانی‌ها و هم صفویان از آن‌جا برخاستند ریشه در عصر سلجوقیان دارد. قبایل ترکمانی در عصر سلجوقیان بزرگ با مهاجرت به آسیای صغیر، دولت سلجوقیان روم را ساختند. آنان در عصر تهاجمات مغول با مهاجرت قبایلی چون لویرأت‌ها، جلایرها سولنوس‌ها روبرو شدند و سپس با آنها ترکیب‌شدند. در همان حال قبایل کرد نیز به سازمان نظامی و قبیله‌ای آنان وارد شدند و بدین نحو ترکمانان جدیدی شکل گرفتند که با ترکمانان سلجوقی متفاوت بودند. چنانکه اگر اطلاق ترکمان بر سلجوقیان را به معنای ترک مومن به دلیل گروهش به اسلام ذکر کرده‌اند، رشیدالدین در اواخر عصر ایلخانی ترکمان را به معنای ترک مانند می‌داند که نشان می‌دهد تحول نظام قبایلی در شمال غربی ایران چه سیری داشته است. از آنجا که ضرورت‌های دفاع در برابر مملوکان مصر و شام و خاندان جوچی در دشت قبیجاق تمرکز نیروی اصلی دولت ایلخانان را در کمربند گسترده‌ای از اران و آذربایجان تا آناتولی و مرزهای شام موجب می‌شد لذا هم تمرکز و نقل

نقش زنان اطاولی
تشیخ و توسعه دولت صفوی

پروفسور فاروق سومر

دکتر احسان اشراقی / دکتر محمد علی امامی
پهلو
مطبعات نشر

پیدایش دولت صفوی

مستطلم مزای

پهلو
مطبعات نشر

تاریخ

تحوالات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره

تیموریان و ترکمانان

تألیف

دکتر حسین میرجعفری



منشآت میدی

تألیف حسین میرجعفری

تصحیح
دکتر مرتضی انصاری

جمعیتی و سازمان نظامی این دولت در این نقاط قرار گرفت و هم اینکه دولتهای بعدی چون چوپانی‌ها و جلایری‌ها در همین نواحی بوجود آمدند و تکاپوهای ایلیخانان رقیب (۷۵۶-۷۳۶ هـ. ق) نیز اساساً در همین عرصه بود و بعدها دولت‌های قراقویونلو، آق‌قویونلو و صفویه نیز از همین جا برخاستند. این تمرکز طولانی، تحول زبانی قسمت‌هایی از شمال غربی ایران از آذری به ترکی را موجب شد. آنچه که غلبه عنصر جدید ترکمان را بدنبال می‌آورد، سازمان نظامی پرتحرک آنان بود. در این سازمان نظامی صوفیان مولویه، صفویه، بکتاشیه و مانند آنها نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. تحولات فکری و روحی، این قبایل نیز که از عصر اسلام‌پذیری آغازان شروع شده بود، شتاب بیشتری گرفت و بخصوص با شورش تیمورتاش، پسر امیر چوپان در آسیای صغیر در اواخر دولت ایلیخانیه که انتظار موعود نجات‌بخش را گسترش و پذیرش بیشتری بخشید، وارد مرحله تازه‌ای ساخت. هرچند مورخین ترک کوشیده‌اند همگام با کهرنگ ساختن مفهوم ترکمن بر صرفاً ترک بودن دولت عثمانی تأکید کنند و بدین ترتیب از یک سو حضور پر قدرت عناصر بیژانسی را نادیده بگیرند، اما با تلاش برای ترک دانستن قزلباشان و انکار ترک ماندنی آنان بر ایهام تحولات مربوط به پیدایش صفویان نیز افزوده‌اند.

این همه نشان می‌دهد که تحولات جمعیتی و فکری و سیاسی صفحات شمال غربی ایران پیچیده‌تر و دامنه‌دارتر از آن است که با تحقیقات شکل‌گرایانه یا تکیه بر قوم‌گرایی و تعصبات فرقه‌ای و نیز انتشار شتاب‌آلوده متون تاریخی بتوان به شناخت آن توفیق یافت. تلاش توأم با سماجت مورخین ترک برای اینکه صفویان را فرع بر تاریخ عثمانی نشان دهند و نیز پای‌فشاری کسروی بر تشکیک در نسب‌نامه صفویان و سیادت آنان خلاف چنین راهی است. در این خصوص لازم است عصر مغول و ادوار پس از آن به عنوان بستری که خاندان صفوی و پیروانشان در آن تکوین یافتند مورد شناسایی دقیق‌تری در مقدمه تاریخ صفویان قرار گیرد و منابعی چون صفوة الصفاى ابن بزّاز و منشآت فریدون بیگ با تلاش محققانه و ارجمندتری در دسترس قرار گیرد. آثار و احوال متفکرانی چون روزبهان خنجی و علامه دوانی در معرض موشکافی‌های دقیق‌تری قرار گیرد و اوضاع ایالات مختلف ایران به نحو خاصی مورد بررسی واقع شود. چنین بررسی‌هایی بدون شک بسیاری از مفروضات رایج در خصوص شرایط مذهبی ایران قبل از صفویه را مورد تجدیدنظر جدی قرار خواهد داد و روشنایی بیشتری بر تاریخ صفویان قبل از شاه اسماعیل خواهد افکند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. میشل، م. مزای، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژنه‌نشر گستره، تهران، ۱۳۶۳، صص ۱۳۳-۱۳۱ و ۱۵۷-۱۴۹.
۲. منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلیخانان، انتشارات آگاه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

به نظر می‌آید
ابهامات مربوط به
پیشینه خاندان صفوی
پیش از تشکیل دولت،
مربوط به اوضاع و
احوال دولت و
روزگار قدرت صفویان
باشد. یعنی پیش از آنکه
چنین پرسش‌هایی
از «علل» برخاسته باشد
نظر به «نتایج» داشته
است

هیچگاه وضع و موقع
تشیخ در ایران
قبل از عصر صفوی،
بخصوص در حد فاصل
مغولان تا صفویان
به درستی
ارزیابی نشده و
به طور کلی
شرایط دینی ایران
قبل از صفویه با عنایت
به حضور قدرتمندانه
تصوف بازشناسی
نگردیده است.
در چنین شرایطی
چگونه می‌توان
صرف به قدرت رسیدن
صفویان را
موجب تحولی یک‌شبه
از تسنن به تشیخ
دانست؟

۳. مزای
۴. همان، ص ۲۰۷.
۵. همان، ص ۱۴۹.
۶. کامل مصطفی الشیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکالوتی قراقرزولو، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۱۵۵-۱۳۱.
۷. شیرین بیانی، تاریخ آل جلایر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.
۸. ابوالقاسم طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، انتشارات کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۹.
۹. والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت آق‌قویونلو و ظهور صفوی، ترجمه کیکاس جهانگیری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۰. جوزانا باربارو، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹.
۱۱. عبدالحسین نوایی، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، موسسه نشر هما، تهران، ۱۳۶۴.
۱۲. عبدالحسین نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۱.
۱۳. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا، انتشارات کتاب تهران، تهران، ۱۳۶۳.
۱۴. احمد تاجبخش، ایران در زمان صفویه، انتشارات چهار، تبریز، ۱۳۴۰.
۱۵. نظام‌الدین، مجیر شیبانی، تشکیل شاهنشاهی صفوی، احیا وحدت ملی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۶.
۱۶. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۲.
۱۷. باتریس منز، برآمن و فرمانروایی تیمور، ترجمه منصور صفت‌گل، نشر رسا، تهران، ۱۳۷۷.
۱۸. حسین میرجعفری، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۵.
۱۹. فاروق سومر، قراقویونلوها، ترجمه دکتر وهاب ولی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۰. فاروق سومر، نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، مترجمین دکتر احسان اشراقی و دکتر محمدتقی امامی، نشر گستره، تهران، ۱۳۷۱.
۲۱. ابوبکر طهرانی، کتاب دیار بکر، به تصحیح نجانی طوغان و فاروق سومر، انتشارات طهوری، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- ۲۲- Fadlullah - b - Ruzbihan khunji, TARIKH ALAM ARA-YI AMINI. edt. by John. E. Woods, Royal Asiatic Society, London. ۱۹۹۲.
۲۳. خواندمیر، حبیب السیر، زیر نظر دبیر سیاقی، کتابفروشی خیام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ج چهارم.
۲۴. تاریخ قزلباشان، به تصحیح میرهاشم محدث، انتشارات بهنام، تهران، ۱۳۶۱.
۲۵. احمد کسروی، شیخ صفی و تبارش، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۷۹.